



باران برایم امروز  
دریای کوچکی ساخت  
باد آمد و میانش  
برگی بزرگ انداخت

باران و باد وقایق  
من ناخدای دریا  
بابرگ می روم من  
بر موج های زیبا

مادر کنار ساحل  
خیره به موج آبیست  
سوغات من برایش  
یک دانه گوش ماهیست